



Atlantic Council

نتایج حملات ایران به اقلیم  
کردستان عراقآتونی فاف، پژوهشگر مسائل  
عراق در اندیشکده شورای  
آتلانتیک؛ تشدید تنش و حمله  
ایران به اقلیم کردستان عراق،

چالشی جدی و احتمالاً یک فرصت برای ایالات متحده ایجاد می‌کند تا نفوذ منطقه‌ای ایران را تضعیف و روابطش را با عراق تقویت کند. هر چند تاسیسات آمریکایی هدف حمله احتمالی نیستند، این حملات نگرانی عمومی نسبت به تنش میان ایران و آمریکا که این دو را به یک جنگ فرآگیرتر منطقه‌ای بکشد، تشدید می‌کند. این نگرانی‌ها می‌تواند باعث شود که تلاش‌ها برای خروج کامل آمریکا از عراق تشدید شود؛ تلاش‌هایی که بعد از حمله ایالات متحده آمریکا به باعث کشته شدن مشتاق الجوری، رهبر حرکت النجیبای عراق شده‌بود، قوت بیشتری گرفت. این نگرانی‌ها همچنین می‌تواند از جنبه‌های دیگر هم عینیت پیدا کند و باعث کاهش تعامل نظامی عراق و آمریکا شود. به‌تازگی فرمانده ستاد مشترک ارتش عراق در مراسم سالمرگ قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، روی پرچم آمریکا قدم گذاشت.

هر چند می‌توان برخی از این اعتراض‌ها را نمایش سیاسی تحلیل کرد، اما آمریکا بر سر دو راهی قرار گرفته‌است که انتخاب کند آیا می‌خواهد این حملات را تحمل کند یا اینکه مجبور به عقب‌نشینی شود. هیچ‌یک از این دو گزینه مطلوب نیستند. این حملات ضعف عراق را در توانایی‌اش برای دفاع از تمامیت ارضی در مقابل حملات خارجی نشان داد و باعث شد که نسبت به هر زمان دیگر نسبت به فشار ایران آسیب‌پذیرتر به نظر برسد. برای جلوگیری از فشارهایی که برای عقب‌نشینی از خاک عراق به آمریکا وارد می‌شود، واشنگتن باید حمایت‌هایش را از نیروهای پدافند هوایی عراق برای مقابله با حملات موشکی و پهپادی که از زمان حملات ۷ اکتبر تشدید شده‌اند، افزایش دهد. بغداد هم باید از این فرصت استفاده کند و فشار را بر گروه‌های شبه‌نظامی برای کاهش حملات بی‌ثبات‌کننده افزایش دهد. در گذشته دولت عراق موفقیتی در کنترل گروه‌های شبه‌نظامی نداشته‌است، اما حالا که ایران مستقیماً به خاک عراق حمله کرده‌است، شاید این گروه‌ها انگیزه بیشتری برای فاصله گرفتن از تهران داشته‌باشند.

توماس واریک، پژوهشگر  
مرکز اسکوکرافت برای  
استراتژی و امنیت؛ اقدام‌های  
ایران علیه ایالات متحده آمریکا

ایران علیه ایالات متحده آمریکا و متحدانش تقریباً همیشه به شکل غربی متقارن هستند. ایران کاری می‌کند که انتقام آن معمولاً چیزی شبیه به تحریم، حمله سایبری، توقیف نفتکش و چیزی مشابه آن است. آنگاه ایران انتقامی می‌گیرد که شاید دقیقاً عین کار طرف مقابل نباشد، اما مشابه است. حمله روز ۱۵ ژانویه ایران به اربیل در ابتدا یک تشدید تنش بسیار شدید به نظر می‌رسید. اما بعد از آنکه عبارها خوابید و هویت افراد کشته‌شده مشخص شد، بار دیگر آثار غیرمستقیم اقدامات ایران روشن شد. ایران آمریکا را هدف قرار نداد، بلکه یک تاجر مشهور کرد را هدف قرار داد که ادعا می‌کرد با اسرائیل همکاری می‌کند. بدون توجه به صحت ادعای ایران، این حمله همه اذهان را متوجه حمله ۲۵ دسامبر ۲۰۲۳ اسرائیل به سوریه کرد که ژنرال موسوی از فرماندهان سپاه را هدف قرار داد. باید دید که آیا این مسئله همان تقارن غریب است یا نه، اما چنین برآوردی با الگوی رفتار ایران همخوانی دارد. ایران می‌توانست از کانال‌های دیپلماتیک استفاده کند و از بغداد یا اربیل بخواهد که اقدام‌های ضدایرانی را در خاک عراق کنترل کنند. در مقابل بغداد یا اربیل این توانایی را داشتند که به ایران اصرار کنند جلوی رفتارهای ضدآمریکایی گروه‌های نیابتی‌اش را در خاک عراق بگیرد. این واقعیت که ایران به استفاده از خاک عراق برای حملاتش ادامه می‌دهد، به این معنی است که ایران توجیه مناسبی برای شکایت از دیگران برای اقدام مشابه ندارد. جنگ در سایه به این ترتیب همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.



تجمع کهن پوستان پس از ترور شهید سیدرضی موسوی، مقابل شورای عالی امنیت ملی/عکس: بهر

## پایان صبر استراتژیک؟

## نقد مطالبات جنگ طلبانه در ایران و تشریح منطق استراتژیک ایران در عدم ورود مستقیم به جنگ

عوامل تحریک به حمله به سفارت‌های انگلیس و عربستان به حساب می‌آید؛ در جریان جدیدترین اظهاراتش در مسجد یکی از دانشگاه‌های کشور مسئولین را به اقدام خودسرانه تهدید کرده و می‌گوید: «اجرای هواپیمای اوکراینی تقاض عملیات «فیک» عین‌الاسد بود. مگر خدا از این چیزها می‌گذرد؟ شما زمانی که کاری که باید، نمی‌کنی، خدا هم در کاسه‌ات می‌گذارد! این چکی که می‌زنی تا کجا ضرب دستش می‌رود، چه کسانی این وسط می‌ترسند، کدام اتاق فکریایی وحشت را تحلیل می‌کنند؟ تو چک را بزن و محکم بزن. یک جوری نوازش نکن که همه بفهمند و هیچ‌کس هم نمی‌فهمد که انتقام سخت بود و همه مسئولین هم می‌گویند نبود. یک جوری بزن که جگر مومن خنک شود؛ جگر مومن خنک نشود، غمباد می‌کند و سرمایه اجتماعی شما و نظام نخواهد بود؛ این‌ها جای ترس دارد. یا اینکه [مومن] بلند می‌شود و یک کار دیگری می‌کند که معلوم نیست آن کار درست باشد. طرف را انداختی گوشه‌رینگ؛ بچه حزب‌اللهی ما را، نه جواب می‌دهی، نه اقدام به موقع می‌کنی، فقط فریاد. چه کسی فریاد خواست؟»

اخیراً نیز یکی از مجریان تلویزیونی، در جریان برنامه‌ای با عنوان «به افق فلسطین» که ۲۳ دی‌ماه از شبکه افق پخش شد؛ از محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی می‌پرسد: «آیا زمان آن نرسیده که ایران هم سلاح اتمی داشته باشد؟» که البته با این پاسخ مواجه می‌شود که «جمهوری اسلامی ایران راهبرد بازدارندگی فعال دارد و داشتن سلاح کشتار جمعی هرگز در دکتین دفاعی ایران جایگاه نداشته و ندارد. فتوای مقام معظم رهبری هم هست که حرام می‌دانند». فتوا و مخالفت آیت‌الله خامنه‌ای با ساخت سلاح هسته‌ای البته موضوعی نیست که مجری پرحاشیه شبکه افق از آن بی‌اطلاع باشد؛ بنابراین این شائبه ایجاد می‌شود که شاید مطرح کردن مطالبه ساخت سلاح کشتار جمعی به رسانه ملی، جدیدترین فاز از اقدامات شاهین‌های وطنی است.

راهبردی که معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی در برنامه شبکه افق از آن سخن گفت را امیرمحمدرضا آشتیانی، وزیر دفاع در جریان سخنرانی در جمع وابستگان نظامی خارجی در ایران، این چنین تعریف می‌کند که «مهم‌ترین اصل در دکتین دفاعی جمهوری اسلامی ایران،

بود؛ از این گمانه استقبال کرده و زمزمه لزوم حضور نظامی ایران و سایر گروه‌های محور مقاومت در کنار حماس را آغاز کردند. موضع ایران در قبال اتهام غرب و این مطالبه اما در ۱۸ مهرماه به‌صورت شفاف و صریح با بیان این جمله که «این کار، کار خود فلسطینی‌هاست»، در سخنرانی رهبر انقلاب در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، در دانشگاه افسری امام علی (ع)، بیان شده و مشخص شد که تهران، تمایلی به ورود به تله جنگ، که وزیر امور خارجه پیشین آن را «منتهای آمل اسرائیل» دانسته بود، ندارد.

فاز دوم اقدامات این گروه حامی ورود به جنگ، از ۴ دی‌ماه و بلافاصله پس از شهادت سردار سیدرضی موسوی، یکی از فرماندهان عالی‌رتبه سپاه در سوریه کلید خورد. این گروه این اقدام شروانه رژیم صهیونیستی را اعلام جنگ به ایران تلقی کرده و خواهان پاسخ مستقیم تهران به تل‌آویو شدند. در همین فضا اما سردار اسماعیل قانی، فرمانده نیروی قدس سپاه در سخنرانی گفت: «شما شهید رضی موسوی را ترور می‌کنید زیرا نتوانستید در میدان جنگ غزه چیزی به دست آورید اما ایران به نقشه‌های شما کشیده نمی‌شود». همین جریان، پس از عملیات تروریستی کرمان در ۱۳ دی‌ماه و در جریان مراسم سالگرد شهادت سردار سلیمانی و در حالی که از همان ابتدا شواهدی از تکفیری و داعشی بودن این اقدام حکایت داشت و روز بعد نیز همین گروه، مسئولیت شهادت بیش از صد نفر در ایران را بر عهده گرفت، با اصرار بر نقش مستقیم اسرائیل، استفاده از کلیدواژه «پایان صبر استراتژیک» را آغاز کرده و تلاش کردند تا افکار عمومی جامعه را برای شکل‌گیری مطالبه انتقام به صورت مستقیم از اسرائیل که ممکن بود پای ایران را به جنگ بزرگتری باز کند، تحت تاثیر قرار دهند.

این جریان، همان جریانی است که در برخی رسانه‌ها، از مهمان «تحلیلگر مسائل منطقه» خود می‌پرسند: «صبر استراتژیک یا انفعال قابل پیش‌بینی؟ آستانه تحمل ایران تا کجاست؟» تا پاسخ بکشوند که «اقت صبر راهبردی این است که به‌راحتی می‌تواند مستمسک ماله‌کشی کم‌کاری‌ها، کوتاهی‌ها، قصورها و انفعال شود». یا همان واعظی که چند سال قبل، سخنانش یکی از

رحمان قهرمانپور:

مفاهیمی همچون صبر  
استراتژیک، مفاهیمی  
بیشتر local و محلی و  
برگرفته از رویکردهای  
ایدئولوژیک، اعتقادیبه سیاست بین‌الملل  
هستند و در ادبیات  
سیاست بین‌الملل  
نیز چندان جایگاهی  
ندارند. طبیعتاً اینمفاهیم ممکن است  
رگه‌هایی از نگاه‌های  
فرهنگی، اعتقادی و

آخرالزمانی نیز داشته

باشند که بر مبنای آن

تصور می‌شود تحولی در

گوشه‌ای از جهان اتفاق

افتاده که در نهایت

منجر به واقعه بسیار

بزرگی خواهد شد



علیه دکترین نظامی کشور

حامیان این تفکر در ۱۵ مهرماه و ساعتی پس از عملیات طوفان الاقصی» که در جریان آن گردان‌های عزالدین القسام شاخه نظامی حماس، حصار مرزی اطراف نوار غزه را ویران کرده و وارد اسرائیل شدند و هم‌زمان با جشنی در میدان فلسطین تهران، در حالی که انگشت اتهام برنامه‌ریزی و مدیریت اقدامات حماس به سمت جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان مهم‌ترین حامی علنی این گروه فلسطینی نشانه رفته